



درآمدی بر

# آزادی‌های سیاسی

از دیدگاه امام خمینی (ره)

■ منصور میراحمدی

مقدمه

امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - گذشته از آنکه بنیان‌گذار و رهبر انقلاب اسلامی بود، به عنوان دانشمندی برجسته در علوم و معارف مختلف اسلامی؛ از قبیل: فلسفه، عرفان، اصول، فقه، تفسیر و اخلاق شناخته می‌شد که این امر بیانگر چند بعدی بودن زندگی و شخصیت والای امام است. امام، از یک سو سیاستمداری برجسته، آشنا به زمان و شرایط خاص جهانی بود و از سوی دیگر، در علوم مختلف به تأمل پرداخته و در برخی از علوم صاحب نظر قلمداد می‌گردید. امام، علاوه بر تأملات بسیار جدی در حوزه اندیشه سیاسی، به اجرا و پیاده نمودن باورها، افکار و اندیشه‌های خود نیز همت گماشت.

یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه اندیشه سیاسی امام خمینی «آزادیهای سیاسی» است که به رغم اهمیت بسیار زیادش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقایسه این بعد از اندیشه سیاسی امام با سایر ابعاد اندیشه سیاسی وی، نمایانگر آن است که بحث آزادیهای سیاسی از دیدگاه امام همچنان در حاشیه قرار گرفته و بحث‌های جدی درباره آن انجام نشده است. از این رو، در این نوشتار به مفهوم، عناصر و مصادیق آزادیهای





سیاسی از دیدگاه امام به اختصار اشاره می‌کنیم.

هر چند که امام خمینی (ره) به طور کلاسیک و مدوّن، به بحث آزادی سیاسی نپرداخته است؛ اما کلام و نقطه نظرات ایشان در این باره به اندازه‌ای است که به خوبی می‌توان بر اساس آنها، به استخراج دیدگاه وی دست یازید. از سوی دیگر، با توجه به اینکه پیش شرط تحقق آزادیهای سیاسی در جامعه، وجود «حکومت قانون» در آن جامعه و «تساوی افراد در برابر قانون» است و از آنجایی که امام بر اصل «حکومت قانون» و «تساوی افراد در برابر قانون» تاکید کرده و حکومت اسلامی را مشروط به رعایت قوانین اسلامی دانسته و افراد جامعه را در برابر این قانون یکسان می‌انگارد؛ لذا بستر مناسبی برای طرح آزادیهای سیاسی از دیدگاه امام وجود دارد. بر این اساس، با تکیه بر این دو نکته، تلاش می‌کنیم دیدگاه امام در باره آزادیهای سیاسی را تبیین نماییم.

### تعریف آزادی سیاسی

تاکنون تعاریف متعددی از آزادی سیاسی ارائه شده است که در اینجا ضمن اشاره به برخی از آنها، به اختصار عناصر و مضامین آزادی سیاسی را نیز بیان می‌کنیم:

۱- منظور از آزادی سیاسی، به طور ساده عبارت از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی است که حکومت مردمی اقتضا می‌کند. این کارها اصولاً شامل آزادی استفاده از ابزارهایی است که از طریق آنها، شهروند بتواند صدای خود را به گوش دیگران برساند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشد.<sup>(۱)</sup>

۲- آزادی سیاسی، یعنی اینکه فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود، از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور نایل آمده و یا در مجامع، آزادانه، عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید.<sup>(۲)</sup>

۳- آزادیهای سیاسی، مجموعه امتیازاتی است که اهالی کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه بدان نیاز دارند. این امتیازات به صورت حقوق مدنی (حق رای، حق داوطلبی و حق عضویت در احزاب سیاسی) و حقوق سیاسی (آزادی رقابت



اندیشه‌ها، آزادی انتخابات و آزادی تعیین زمامداران) متظاهر می‌شود. (۳)

۴- آزادی سیاسی، قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن، می‌توانند حق

حاکمیت داشته باشند؛ خواه بطور مستقیم و خواه از طریق انتخاب نمایندگان. (۴)

۵- آزادیهای عمومی، آزادیهایی است که به عنوان وسیله‌ای برای مقاومت مردم در

برابر تجاوزهای دولت تلقی می‌شود. با تضمین این آزادیها، دولت نمی‌تواند به حقوق

افراد تجاوز کند و در صورت تجاوز، مردم با استفاده از این حقوق به مقاومت بر

می‌خیزند. (۵)

۶- آزادی سیاسی، آزادی فرد در صحنه سیاست و به بیان دیگر، فقدان، فشار سیاسی

است. (۶)

اگرچه تعاریف مذکور متفاوت است؛ اما می‌توان با دقت در این تعاریف، عناصر

مشترک آزادی سیاسی را بیان کرد. مهمترین عناصر آزادی سیاسی عبارتند از:

۱) اعمال حق حاکمیت؛ ۲) زمینه سازی مشارکت فعال سیاسی در جامعه.

آزادی سیاسی از سویی، اعمال حق حاکمیت مردمی بوده و از سوی دیگر، زمینه‌ساز

مشارکت سیاسی مردم در جامعه و تأثیر گذاری آنان در حیات سیاسی جامعه است. مردم

در جامعه با دارا بودن آزادی سیاسی می‌توانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم حق

حاکمیت خود را اعمال نمایند. از طرف دیگر، مردم از راه انتخاب زمامداران و از طریق

شرکت در مجامع، می‌توانند در زندگی سیاسی خود شرکت جویند. آزادی سیاسی،

وصف فرد در جامعه است که این حالت، در صورتی رخ می‌دهد که فرد بتواند در جامعه

به ایفای نقش پرداخته و در مسایل سیاسی کشور خود تأثیر گذار باشد. علاوه بر این،

شاید بتوان در مفهوم آزادی سیاسی، عنصر دیگری را نیز بیان کرد. این عنصر، عبارت

است از فقدان فشار و اجبار سیاسی از سوی حکمرانان در جامعه. آزادی سیاسی در صورتی

تحقق پیدا می‌کند که این امتیازات از سوی حکومت به افراد داده شده و زمینه حضور و

مشارکت آنها فراهم شود. بدیهی است، در صورتی که حکومت این امتیازات را به

رسمیت نشناسد، دیگر آزادی سیاسی تحقق پیدا نمی‌کند. بر این اساس، می‌توان گفت

که آزادی سیاسی از دو عنصر محتوایی اعمال حق حاکمیت و مشارکت سیاسی مردم در





جامعه و یک عنصر صوری و فعلی؛ یعنی فقدان فشار سیاسی بر خور دار است. به عبارت دیگر، مفهوم آزادی سیاسی متشکل از دو عنصر مذکور است و تحقق این مفهوم در جامعه، مشروط به فقدان فشار سیاسی در آن جامعه است.

با توجه به آنچه که گذشت، می توان آزادی سیاسی را به اختصار اینگونه تعریف کرد: آزادی سیاسی عبارت است از آزادی فرد در جامعه سیاسی در اثر فقدان فشار سیاسی در جامعه، به منظور اعمال حق حاکمیت مردمی و مشارکت فعال سیاسی در جامعه.

### مصادیق آزادی سیاسی

منظور از مصادیق آزادی سیاسی، اقسامی از آزادی سیاسی است که بتواند حقوق اساسی مردم را تضمین نموده و در برابر تجاوزهای دولت، از آنها محافظت نماید:

«مهمترین اقسام این آزادیها عبارت است از: آزادی مطبوعات و بیان، آزادی تشکیل حزب و جمعیت، آزادی تظاهرات، آزادی تشکیل سندیکاها و اتحادیه های صنفی، آزادی انتشار کتاب»<sup>(۷)</sup>.

درباره مصادیق آزادی سیاسی، تعابیر متفاوتی وجود دارد که به نظر می رسد، بتوان گفت که منظور از آنها، مواردی است که بتوان در ظرف فقدان فشار سیاسی، حق حاکمیت مردمی را تضمین کرده و زمینه مشارکت فعال سیاسی مردم را در جامعه فراهم نماید. بر این اساس مصادیق آزادی سیاسی، آزادیهایی است که هر چند ماهیتاً ممکن است سیاسی نباشد؛ اما برآورده کننده حق حاکمیت مردمی و مشارکت سیاسی باشد. بنابر این، آزادیهای سیاسی هم شامل برخی حقوق مدنی و هم برخی حقوق سیاسی است. حقوقی که بتواند از سویی، زمینه اعمال حق حاکمیت مردمی و مشارکت سیاسی آنها را فراهم نموده و از سوی دیگر، از حقوق مردم در برابر حکومت محافظت نماید. بر این اساس، برخی از مهمترین مصادیق و اقسام آزادی سیاسی عبارتند از:

۱. آزادی تعیین سرنوشت و رای؛ ۲. آزادی بیان؛ ۳. آزادی مطبوعات؛ ۴. آزادی عقیده و مذهب؛ ۵. آزادی احزاب و اجتماعات.

## قلمرو آزادی سیاسی

آزادی سیاسی نیز همچون سایر مقوله‌ها، قابل تضییق و توسعه است. سعه و ضیق این مفهوم به دو عامل اساسی بستگی دارد؛ قانون اساسی و میزان اعمال قدرت حاکمان. مهمترین عاملی که قلمرو دامنه آزادی سیاسی را معین می‌کند، قانون اساسی یک کشور است. قانون اساسی به عنوان مهمترین منبع تبیین کننده آزادی سیاسی، حقوق مدنی و اساسی انسانها را بیان کرده و دامنه آزادی سیاسی شهروندان را معین می‌کند. بر این اساس، مهمترین راه شناخت آزادیهای سیاسی و قلمرو آن در جامعه، قانون اساسی است. هرچند که قانون اساسی در تعیین قلمرو آزادی سیاسی نقش اساسی دارد؛ اما تنها عامل نیست. در کنار قانون اساسی عامل دیگری که به ویژه در عمل و رفتارهای سیاسی اجتماعی شهروندان نقش تعیین کننده‌ای در سعه و ضیق آزادی سیاسی دارد، میزان اعمال قدرت حاکمان است:

«حکمرانان، تنها محدودکنندگان آزادی سیاسی مردمند و سعه و ضیق دایره آن، بسته به میزان اعمال قدرت آنان می‌باشد، اگر قدرتمندان سیاسی، مردم را در مواجهه و مقابله با خود رهاکنند، آزادی سیاسی به طور مطلق برقرار می‌شود و اگر به تضییق این دایره پردازند، آزادی سیاسی محدود می‌شود.»<sup>(۸)</sup>

بنابراین، قانون اساسی مهمترین عامل تبیین کننده محدود و قلمرو آزادی سیاسی در مقام نظر، و قدرت حاکمان و میزان اعمال آن در جامعه، مهمترین عامل تبیین کننده محدود و قلمرو آزادی سیاسی در مقام عمل است.

حال با توجه به آنچه که به اختصار درباره مفهوم، مصادیق و قلمرو سیاسی گذشت، دیدگاه امام خمینی (ره) در باره آزادیهای سیاسی را بررسی می‌کنیم. با مراجعه به اندیشه‌ها و آثار مدوّن امام، درمی‌یابیم که امام به صورت مستقل، بحث مفهومی درباره مفهوم آزادی سیاسی نداشته و به جنبه‌های کاربردی این مفهوم توجه بیشتری نشان داده و از این رو، بیشتر به مصادیق آن پرداخته است. بر این اساس، ما نیز در این مجال به دیدگاه امام درباره مهمترین مصادیق آزادی سیاسی می‌پردازیم. نکته مهمی که در اینجا باید خاطر نشان ساخت، این است که در بررسی دیدگاه امام درباره آزادی سیاسی، این





هدف را نیز دنبال خواهیم کرد که امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار، ایدئولوگ و رهبر انقلاب، چه سیمایی از آزادی سیاسی در حکومت اسلامی ارائه کرده و قلمرو آن را چگونه تبیین نموده است. همانطوری که اشاره شد، مهمترین عوامل تبیین کننده قلمرو آزادی سیاسی، قانون اساسی و میزان اعمال قدرت حاکمان است. بحث آزادی سیاسی از دیدگاه قانون اساسی، بحث مفصل و مجزایی است که در جای خود باید به آن پرداخت؛ اما تلقی امام خمینی (ره) به عنوان اولین رهبر و حاکم اسلامی در جمهوری اسلامی ایران از آزادی سیاسی، چشم انداز بسیار مناسبی از سیمای آزادی سیاسی و قلمرو آن را در جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌کند. براین اساس، بررسی دیدگاه امام در باره مصادیق آزادی سیاسی، تبیین کننده قلمرو آن و ارائه کننده سیمای کلی آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران براساس دیدگاه ایشان خواهد بود.

### آزادیهای سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)

همانطوری که اشاره شد، می‌توان براساس کلام و نقطه نظرات امام درباره آزادی سیاسی و مصادیق آن، دیدگاه ایشان را در این باره بیان کرد. بدیهی است که ذکر مصادیق آزادی سیاسی از دیدگاه امام، صرفاً بر اساس کلام و نوشته‌های ایشان است و هدف از ذکر موارد مذکور، انحصار آزادیهای سیاسی از دیدگاه امام در این موارد نیست. بنابراین هدف، تبیین دیدگاه امام در باره مهمترین مصادیق آزادی سیاسی است.

#### ۱- آزادی و حق تعیین سرنوشت

یکی از مهمترین حقوق اساسی مردم در جامعه، حق تعیین سرنوشت است. این حق، از جمله حقوقی است که قانون اساسی بسیاری از کشورها آن را برای مردم به رسمیت شناخته است و مردم براساس آن، می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های کلان حکومتی دخالت کرده و در سرنوشت خود، تأثیرگذار باشند. از دیدگاه امام خمینی (ره)، حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم می‌باشد که به موجب آن، هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند.<sup>(۹)</sup> یکی از نکات بسیار مهم در دیدگاه امام، رابطه الهی داشتن مشروعیت در نظریه ولایت فقیه و نقش مردم در حاکمیت است. امام، از سویی با



باور به دیدگاه «انتصاب» درباره ولایت فقیه، معتقد است که مشروعیت ولایت فقیه الهی بوده و از سوی دیگر، در بسیاری از موارد، بر نقش مردم در حاکمیت تأکید نموده است. بنابراین، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که از دیدگاه امام، نقش مردم در حاکمیت چیست؟

روشن است که نقش مردم در سطوح مختلفی قابل طرح و بررسی است که مهمترین آنها عبارتند از: نقش مردم در مشروعیت بخشی به حکومت و حاکمیت و نقش مردم در تصمیم‌گیریهای اساسی. براساس دیدگاه امام، مشروعیت حکومت و حاکم اسلامی، صرفاً الهی است و مردم تنها در کارآمد ساختن حکومت و کشف ولی منصوب نقش دارند:

«از دیدگاه ولایت انتصابی، مشروعیت حکومت ولی فقیه ناشی از نصب امامان(ع) است و مردم در تفویض ولایت به او هیچ گونه اختیاری ندارند؛ اما در کارآمدی حکومت نقش اصلی [را] دارند. بیعت گرفتن پیامبر(ص) و امامان(ع) از مردم نیز برای کارآمد کردن ولایتشان است نه برای انتصاب آنان.»<sup>(۱۰)</sup>

بنابراین، مفهوم آزادی انتخاب در این دیدگاه، به مفهوم فراهم ساختن شرط لازم کارآمدی حکومت است. به عبارت دیگر، در صورتی حکومت کارآمد می‌گردد که مردم آزادانه بتوانند حاکمان را در حکومت اسلامی انتخاب نمایند. از این رو:

«شرط کارآمدی حکومت، انتخاب آزادانه حاکمان توسط مردم است.»<sup>(۱۱)</sup>

به نظر می‌رسد که بتوان از زاویه دیگری نقش مردم در حکومت اسلامی را بر اساس دیدگاه امام با تفکیک «محتوا سازی» و «ساختار سازی» تبیین کرد. از دیدگاه امام، محتوا و ماهیت حکومت اسلامی توسط قانون الهی شکل می‌گیرد و مردم در این مسأله نقشی ندارند؛ اما در ساختن ساختار مناسب حکومت، رأی مردم نقش اصلی را ایفا می‌کند و بدین سان، مفهوم جمهوریت و اسلامیت نیز در دیدگاه امام آشکار می‌گردد. امام، جمهوریت حکومت را براساس رأی مردم و اسلامیت آن را براساس قانون الهی می‌داند. از این رو، در پاسخ به سؤال درباره نظام جایگزین شاهنشاهی در ایران، ضمن معرفی آن به عنوان «جمهوری اسلامی» در توضیح این اصطلاح می‌فرماید:



«اما جمهوری است، برای اینکه به آرای اکثریت مردم متکی است و اما اسلام، برای اینکه قانون اساسی اش عبارت [است] از قانون اسلام، اسلام در همه ابعاد قانون دارد و به همین جهت، احتیاج به قوانین دیگری نداریم.»<sup>(۱۲)</sup>

و یا در جایی دیگر، تأثیر پذیری ساختار حکومت از شرایط و مقتضیات جامعه را این گونه بیان می‌فرماید:

«ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن، حکومتی است متکی به آرای عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط مردم تعیین خواهد شد.»<sup>(۱۳)</sup>

با توجه به آنچه که گذشت، روشن می‌شود که علاوه بر کار آمدی، می‌توان از نقش مهم دیگری برای مردم از دیدگاه امام سخن گفت که عبارت است از: «ساختار سازی». امروزه اهمیت ساختارها و نقش تعیین‌کننده آنها در زندگی کاملاً آشکار است. مردم می‌توانند با تعیین ساختارها، در سرنوشت خود نقش اساسی ایفا نمایند. و با توجه به این مطلب است که آزادی به عنوان یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی، قالب خودش را در جمهوریت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، هرچند که امام تصمیم‌گیری در باره ساختار حکومت را حق مردم می‌داند؛ اما خود نیز جمهوریت را ترجیح داده و براین باور است که این ساختار می‌تواند اهداف حکومت اسلامی را در شرایط کنونی به انجام رساند. به عبارت دیگر، جمهوریت می‌تواند زمینه ساز تحقق آزادی به مفهوم حق تعیین سرنوشت در جامعه باشد. در نتیجه، از دیدگاه امام، مردم با تعیین ساختار «جمهوری» نقش اساسی در سرنوشت خود ایفا می‌کنند. نکته دیگر درباره حق تعیین سرنوشت از دیدگاه امام، بررسی دیدگاه وی درباره «حق رأی» است. از آنجا که «رأی دادن» و «رأی‌گیری» از مهمترین جلوه‌های آزادی سیاسی به مفهوم حق تعیین سرنوشت است، در اینجا به دیدگاه امام درباره حق رأی مردم می‌پردازیم.

به طور کلی براساس کلام امام، می‌توان دیدگاه ایشان را درباره حق رأی مردم با سه

نکته اساسی توضیح داد:





الف: همگانی بودن حق رأی؛

از دیدگاه امام، حق رأی از آن همه مردم بوده و هیچ فرد، گروه و صنف خاصی بر دیگران ترجیح و برتری ندارد. از نظر ایشان، تمام اقشار جامعه دارای حق رأی می‌باشند. امام، در این باره می‌فرماید:

«همانطوری که مکرر من عرض کرده‌ام و سایرین هم گفته‌اند، انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌ها است. انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان، دست خودشان است و انتخابات برای تحصیل سرنوشت شما ملت است.» (۱۴)

همچنین در جایی دیگر، مساوات مردم را در رأی دادن، اینگونه بیان می‌کند:

«انتخابات دست مردم است، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر با آن رعیتی که در کشاورزی کار می‌کند و آن بازاری‌ای که در بازار کار می‌کند، راجع به انتخابات یک جور هستند، علی‌السواء هستند. یعنی رئیس‌جمهور یک رأی دارد، نخست‌وزیر هم یک رأی دارد و آن کشاورزی که در دور دست افتاده‌ترین این کشور است، آن هم یک رأی دارد. رأیشان فرقی باهم ندارد و همه مسؤول هستند.» (۱۵)

از دیدگاه امام، نه تنها همه مردم دارای حق رأی هستند؛ بلکه اساساً حق مشارکت و تعیین سرنوشت نیز برای همه مردم وجود دارد و تمامی اقشار مردم اعم از مرد و زن باید در سرنوشت خود مشارکت داشته باشند:

«باید همه شما در این امر نظر داشته باشید، در امور سیاسی نظر داشته باشید. برای اینکه امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همانطوری که علم مخصوص یک طبقه نیست. همانطوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردها باشند؛ البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.» (۱۶)



مشاورت

درآمدی بر آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) / ۱۰۷



ب: برخورداری مردم از آزادی کامل در رأی دادن؛

از دیدگاه امام، هیچ‌گونه فشار و اجباری در رأی دادن و رأی گرفتن جایز نیست و باید آزادانه صورت گیرد. امام به کرات این مطلب را بیان کرده‌اند؛ از جمله:

«همان‌طور که قبلاً تذکر دادم، مردم در دادن رأی به اشخاص واجد شرایط آزاد هستند و هیچ کس را حق الزام کسی نیست.»<sup>(۱۷)</sup>

در دیدگاه امام، تحمیل فرد یا افرادی در انتخابات به مردم انکار گردیده و ضرورت وجود آزادی برای مردم تأکید گردیده است. از سویی امام، هرگونه تحمیل را رد می‌کند و از سویی دیگر، لزوم مشورت برای انتخاب اصلح را گوشزد می‌کند. بنابراین، معرفی کاندیدا در انتخابات جایز است؛ اما تحمیل کاندیدا ممنوع. امام در این باره می‌فرماید:

«همان‌طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قسیم ندارند و هیچ فرد یا گروه یا دسته‌ای حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود، جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است و مردم با متمدین و معتمدین خویش مشورت می‌نمایند و افراد و گروهها و روحانیون، در حد تذکرات قبلی در حوزه خود می‌توانند کاندیدا معرفی نمایند؛ ولی هیچ کس نباید توقع داشته باشد که دیگران اظهار نظر و اظهار وجود نکنند.»<sup>(۱۸)</sup>

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این عبارت، امام هرگونه تحمیل و اجبار را در انتخابات انکار می‌کند. نکته بسیار مهمی که در این عبارت به چشم می‌خورد که شاید مهم‌ترین دلیل این باور باشد، اعتماد امام به مردم است. از دیدگاه امام مردم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارا هستند. از این رو باید به رأی آنها اعتماد کرد و رأی آنان را با اطمینان پذیرفت. البته ضرورت مشورت و معرفی کاندیداها توسط افراد و گروهها روشن بوده و با آنچه که گفته شد، تنافی ندارد. مشورت و معرفی کاندیدا نیز از



عوامل اطمینان بخشی به رأی مردم بوده و منافاتی با آزادی انتخاب ندارد.

ج: ضرورت رأی دادن و انتخاب بر اساس بینش صحیح

هر چند که امام به آزادی کامل در رأی دادن باور دارد و ضرورت وجود آزادی مردم را در رأی دادن تأکید می‌کند؛ اما از سوی دیگر، معتقد است که رأی دادن به عنوان یک تکلیف و وظیفه باید بر اساس بینش صحیح و توأم با شناخت کامل صورت پذیرد. از نظر امام، تنها مجوز رأی دادن، تشخیص فرد است. یک شهروند از دیدگاه امام، تنها در صورتی می‌تواند رأی دهد که به این بینش و شناخت رسیده باشد و رأی دادن صرفاً به تبعیت فرد یا افراد در تعیین مصداق کافی نیست. در کلام امام در این باره می‌خوانیم:

«فرض بکنید که اگر همه کسانی که در رأس هستند بروند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید؛ لکن شما به نظرتان درست نباشد، جایز نیست بر شما [که] تبعیت کنید. باید خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا اینکه بتوانید رأی بدهید.»<sup>(۱۹)</sup>

بنابراین از دیدگاه امام، رأی دادن به عنوان یک حق اساسی، تنها در صورتی که همراه با شناخت و بصیرت لازم همراه گردد، ارزش داشته و از منزلت والایی برخوردار است. البته کسب شناخت و بصیرت، از راههای گوناگونی امکان پذیر است که در اینجا در صدد بیان آنها نیستیم.

## ۲- آزادی بیان

یکی دیگر از آزادیهای سیاسی در جامعه، آزادی بیان است. آزادی بیان که فراتر از آزادی اندیشه و عقیده است، از حقوق اساسی است که در بسیاری از جوامع به رسمیت شناخته شده است. بر اساس این حق، مردم در بیان دیدگاهها و نظرات خود آزاد بوده و از حق انتشار دیدگاههای خود در کلام و نوشتار برخوردار می‌باشند. از این رو، از این حق به آزادی بیان و قلم تعبیر می‌شود. آزادی مطبوعات نیز به عنوان یکی از تعابیر بسیار رایج در زمینه آزادی بیان و قلم در این خصوص مطرح می‌شود.

یکی از نکات بسیار مهم در زمینه آزادی بیان، بحث از حدود آزادی بیان است. اصل آزادی بیان مورد پذیرش بیشتر دانشمندان و صاحب نظران بوده و بیشتر از حدود آن، در





جامعه سخن رفته است. در «حقوق اساسی» نیز امروزه بیشتر از حدود آن سخن می‌رود: «آنچه در آزادی بیان اهمیت بسیار دارد، تشخیص حدود آن است. توهین و افتراء، شکستن حریم خلوت و تنهایی افراد، تجاوز به حقوق دیگران، افشاء اسرار دولتی، انتشار نوشته‌ها و صور قبیح و کفر و ناسزاگویی به مقدّسات و تجاوز به حقوق اقلیتها، نمونه‌هایی از تعدّی به حقوق جامعه است.»<sup>(۲۰)</sup>

با عنایت به این نکته و با توجه به اینکه امروزه در جامعه ما نیز اصل آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم توسط حکومت و قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است و اختلاف، تنها درباره حدود آن است، ما نیز در اینجا درباره اصل آزادی بیان از دیدگاه امام بحث نکرده؛ بلکه به تبیین حدود آزادی بیان از دیدگاه ایشان می‌پردازیم. در این راستا، به سه نکته اساسی در دیدگاه امام درباره آزادی بیان اشاره می‌کنیم که در واقع تبیین‌کننده حدود آن به شمار می‌روند:

#### الف- آزادی بیان و لزوم مراعات منافع مردم:

از نظر امام خمینی، یکی از مهمترین موانع آزادی بیان، «مضر بودن» آن به منافع و حال ملت است. اگر بیان یک مطلب و دیدگاه در راستای منافع ملت نبوده، بلکه مضر به حال مردم بوده و مفاسدی را به دنبال داشته باشد، بیان آن مطلب جایز نمی‌باشد. بنابراین، هرگاه بیان دیدگاهها و اظهار نظرها در راستای منافع مردم باشد، قهراً جایز بوده و مردم در این زمینه آزادی بیان دارند. امام در اوائل انقلاب در پاسخ به سؤالی در باره حدود آزادی بیان می‌فرماید:

«اگر چنانچه مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به

حال ملت ما باشد.»<sup>(۲۱)</sup>

نکته‌ای که باید در اینجا یادآوری کرد، این است که اساساً صرف بیان دیدگاهها و نقطه نظرها در بسیاری از مواقع نه تنها مضر به حال مردم نمی‌باشد؛ بلکه در راستای منافع آنها خواهد بود. چراکه جامعه‌ای که در معرض آراء و دیدگاههای گوناگون قرار گیرد، بهتر می‌تواند از امکانات و توانمندی‌های بالقوه خود بهره‌گیرد. بدیهی است که تضارب آراء و اندیشه‌ها در یک جامعه، باعث پویایی آن جامعه و پیشرفت جامعه می‌گردد. از



این رو، می‌توان گفت که اصل اولیه در آزادی بیان، بر فایده رسانی و منفعت رسانی استوار بوده تا ضرر زدن به منافع مردم. در نتیجه، حکومتها باید زمینه طرح دیدگاهها و بیان اندیشه‌ها را فراهم نمایند و تنها در صورتی که ضرر رساندن به منافع مردم محرز گردد، از طرح این دیدگاهها جلوگیری نمایند.

ب- آزادی بیان و ضرورت مقابله با توطئه‌ها:

یکی دیگر از نکاتی که امام بر آن تأکید می‌کند، نفی توطئه و پرهیز از به‌کارگیری آزادی بیان در راستای یک توطئه است. آزادی بیان اگر در چارچوب یک طرح توطئه آمیز باشد، قابل قبول نبوده و از آن جلوگیری می‌شود. از این رو، آزادی بیان مادامی که در جهت یک توطئه یا طرح براندازی و خرابکارانه شکل نگیرد، نه تنها مانعی نداشته؛ بلکه از حقوق اساسی مردم محسوب می‌گردد. امام در این باره می‌فرماید:

«آزادی آراء در اسلام از اول بوده است. در زمان ائمه ما علیهم السلام؛ بلکه در زمان خود پیغمبر (ص) آزاد بود، حرفهایشان را می‌زدند. حجت ما داریم... کسی که حجت دارد، از آزادی بیان نمی‌ترسد؛ لکن توطئه را اجازه نمی‌دهیم.» (۲۲)

دو نکته اساسی در این عبارت به چشم می‌خورد؛ اول آن که، امام آزادی بیان را از توطئه جدا می‌کند و توطئه را انکار کرده و بر آزادی بیان صحه می‌گذارد و دیگر آنکه، امام به یک نوع ثبات برآمده از قدرت استدلال برای حکومت اسلامی قائل است که آزادی بیان، نه تنها نمی‌تواند این ثبات را برهم زند؛ بلکه در تقویت آن مؤثر می‌افتد. این مطلب نیز رهنمودی است برای حکومت‌های اسلامی و مسئولان آن که نه تنها از آزادی بیان واهمه نداشته باشند؛ بلکه با تلاش برای تقویت بنیانهای جامعه، ثباتی را پدید آورند که وجود آزادی بیان نه تنها آن بنیانها را متزلزل نسازد؛ بلکه بر تقویت آنها نیز بیفزاید.

ج- آزادی بیان و ضرورت پرهیز از انتقام جویی

نکته دیگر در باره آزادی بیان از دیدگاه امام، این است که باید از آزادی بیان برای انتقاد حکومت و مسئولین استفاده شود نه برای انتقام جویی. امام با تفکیک انتقاد سالم و انتقام جویی، ضمن تأکید بر به‌کارگیری شیوه‌های صحیح در انتقاد از دیگران، انتقام جویی را انکار می‌کند. در نتیجه، از نظر امام این مطلب، معیاری است برای ارزیابی





روزنامه‌ها و مطالبی که می‌نویسند. هدف نویسندگان اگر در راستای انتقاد سالم باشد، باید حمایت شود؛ ولی اگر در جهت انتقام جویی باشد، باید پرهیز گردد. امام در این باره می‌فرمایند:

«مسئله دیگر راجع به انتقاد، [این است که] البته روزنامه‌ها باید مسائلی را که پیش می‌آید، نظر کنند. یک وقت انتقاد است؛ یعنی انتقاد سالم است، این مفید است. یک وقت انتقام است نه انتقاد، این نباید باشد. این با موازین جور در نمی‌آید. انسان چون با یکی خوب نیست، در مطبوعات او را بگوید، کار درستی نیست. اما اگر کسی خلاف کرده است، باید او را نصیحت کرد، پرده دری نباشد؛ ولی انتقاد خوب است. باید در این امور خیلی ملاحظه فرمایید تا مطبوعات مرکزی باشد برای استفادهٔ عموم و اینکه مردم بفهمند باید چه بکنند و باید چه بشود.» (۲۳)

با توجه به آنچه که گذشت، می‌توان گفت که از دیدگاه امام، آزادی بیان در جامعه ضرورت دارد و تنها در صورتی که در راستای ضرر زدن به منافع مردم یا توطئه و یا انتقام جویی باشد، قابل قبول نمی‌باشد. از نظر امام، حکومت اسلامی دارای چنان توانی در استدلال کردن هست که وجود آزادی بیان در جامعه نه تنها نمی‌تواند به آن آسیبی برساند؛ بلکه در راستای تقویت حکومت، می‌تواند مفید تلقی گردد.

### ۳- آزادی احزاب، انجمنها و تشکیلات اجتماعی

یکی دیگر از مهمترین اقسام آزادی سیاسی، آزادی اجتماعات، تشکله‌ها و احزاب است. شرکت در گروه‌ها، جناح‌ها و احزاب سیاسی، از حقوق اساسی مردم محسوب می‌شود. براساس دیدگاه حقوق اساسی:

«کلیهٔ شهروندان حق دارند در گروه بندی‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، صنعتی و اقتصادی شرکت کنند. جلوگیری از این حق مابینت آشکاری با آزادی دارد، مگر آنکه تجمع و گروه بندی، خطراتی برای نظم عمومی مستقر داشته باشد.» (۲۴)

همانطوری که ملاحظه می‌شود، مهمترین مانع شرکت در گروه‌ها و جناح‌ها و احزاب سیاسی، برهم زدن نظم عمومی است. به همین دلیل، گفته می‌شود که:

«تشکیل اجتماعاتی آرام و بی آشوب و اعتراض دسته جمعی در جامعه‌ای برخوردار از نظم و آرامش، حق هر انسانی است.»<sup>(۲۵)</sup> «ولی از سوی دیگر، «تشکیل اجتماع به منظور آشوب، تعدی و نزاع، ممنوع است.»<sup>(۲۶)</sup>

امروزه دیدگاه‌های متعددی درباره آزادی احزاب، در جامعه سیاسی ایران وجود دارد. برخی، آزادی بی قید و بند برای احزاب را باور داشته و به دنبال شکل‌گیری آن هستند. برخی دیگر، با انکار اصل حزب در جامعه اسلامی، به مخالفت با شکل‌گیری احزاب پرداخته‌اند. گروه دیگری که به نظر می‌رسد دیدگاه معتدل و قابل اجرایی را پذیرفته‌اند، بر این باور هستند که آزادی احزاب در چارچوب قانون است. این دیدگاه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده و چارچوب فعالیت احزاب را مشخص می‌کند. براساس قانون اساسی، مادامی که احزاب، اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، آزاد هستند.<sup>(۲۷)</sup> حال با توجه به آنچه که گذشت، به دیدگاه امام درباره آزادی احزاب، انجمنها و تشکیل اجتماعات به اختصار اشاره می‌کنیم.

بررسی دیدگاه امام درباره آزادی احزاب و تشکلهای، نیازمند بررسی مستقل و گسترده‌ای است که در این مختصر نمی‌توان به آن پرداخت. بدیهی است که تبیین دیدگاه امام در باره احزاب و تشکلهای مستلزم نگاهی مجموعی به تمامی آثار امام بوده که این امر از هدف نوشتار حاضر بدور از حوصله آن خارج است. از این رو، تنها به سه نکته اساسی در دیدگاه امام در این باره اشاره می‌کنیم:

**الف -** از نظر امام، آزادی تشکیل اجتماعات و مشارکت در صحنه‌های سیاسی اجتماعی، از اهداف اساسی انقلاب است. امام در اوائل انقلاب، در این باره می‌فرماید: «از این چیز بهتر چه می‌خواستید از یک انقلاب؟ همان که ملت می‌خواست، آزادی را می‌خواست، حاصل است. همه الان آزاد نشسته‌اند و در همه جا آزاد مجتمع هستید و در پنج سال پیش هیچ نمی‌توانستید یک همچو اجتماعی را ایجاد کنید. آزادید؛ این چیزی بود که ملت می‌خواست و شد.»<sup>(۲۸)</sup>

مقایسه تاریخ دو دهه پس از انقلاب، با دوران قبل از آن به خوبی این واقعیت را





آشکار می‌کند که انقلاب اسلامی، آزادی اجتماعات را برای مردم به ارمغان آورد.  
 ب- از نظر امام، جمهوری اسلامی، آزادی فعالیت سیاسی اجتماعی رابه گروهها و احزاب داده است. پس از انقلاب، اجازه فعالیت و مشارکت در امور به گروهها و احزاب داده شد و انقلاب به تمام معنا آزادیبخش بود.

ج- مانع اصلی آزادی احزاب و گروهها و تشکلهای سیاسی از دیدگاه امام، اقدام به توطئه و طرحهای براندازی و انجام اقداماتی بر خلاف مصالح مردم است. امام معتقد است که باید به احزاب و گروهها اجازه فعالیت داده شود، مشروط بر اینکه به توطئه و انجام فعالیتهای مضر به مردم دست نزنند.

امام درباره نکته دوم و سوم می‌فرماید:

«جمهوری اسلامی از اول که پیروز شد، آزادی را به طور مطلق به همه طوایف داد. نه تنها هیچ روزنامه‌ای تعطیل نشد؛ بلکه هر گروه و حزبی به کارهای خود مشغول بودند و بعضی از گروهها که ناشناخته بودند، از طرف دولت به کارگمارده شدند. لیکن به تدریج فهمیده شد که اینها یا توطئه‌گرند یا جاسوسی می‌کنند. از طرف دیگر نمی‌شد که انقلاب را رها کنیم. نه اسلام اجازه می‌داد و نه عقل که یک دسته از عنوان دولت یا غیر دولت برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوءاستفاده نموده یا جاسوسی کنند و ما ساکت باشیم.» (۲۹)

با توجه به آنچه که به اختصار گذشت، می‌توان گفت که از نظر امام، اصل آزادی گروه بندی سیاسی - اجتماعی و احزاب در چارچوب قانون رسمیت داشته و مادامی که به اقداماتی از قبیل توطئه یا جاسوسی دست نزنند، می‌توانند به فعالیت سیاسی اجتماعی پردازند. امام، وجود آزادیهای مذکور را نه تنها مخالف نظام جمهوری اسلامی نمی‌داند؛ بلکه بر این باور است که چنین آزادی را انقلاب اسلامی برای مردم به ارمغان آورده است.

#### ۴- آزادی دین - مذهب

یکی دیگر از شاخه‌های آزادی سیاسی، آزادی مذهب است. این آزادی هم شامل آزادی داشتن یا پذیرفتن یک دین و مذهب می‌شود و هم آزادی ابراز مذهب یا





معتقدات و انجام مراسم و فرایض دینی. نوع اول؛

«یعنی اینکه شخص بتواند آزادانه و به طور آشکار و یا در خفا معتقدات مذهبی خود را از راه بیان یا نوشته ابراز نماید و هیچ کس مانع آزادی او نشود و آن در این حد؛ یعنی در حد فکر و اندیشه، با آزادی عقیده و بیان فرق ندارد.» (۳۰)

اما نوع دوم؛

«یعنی اینکه شخص بتواند مراسم و فرائض مذهب خود را به گونه‌ای که در شریعت آمده است، اجرا نماید و نظم خواسته شده را در بین افراد و جامعه برقرار سازد.» (۳۱)

از دیدگاه حقوق اساسی، فرد حق دارد در خویشتن خویش، هرگونه مذهبی را انتخاب نماید بی آنکه متحمل صدمات و ضررهایی در زندگی اجتماعی اش شود. به عبارت دیگر، هر شهروند به دلیل آنکه در یک جامعه زندگی می‌کند، از حقوق اساسی برخوردار است. این حقوق در جامعه براساس مذهب تقسیم و توزیع نمی‌گردد؛ بلکه تابعیت یک کشور، این حقوق را برای وی به ارمغان می‌آورد. علاوه بر این، پذیرش مذهبی برخلاف مذهب رسمی جامعه نباید باعث محروم شدن او از حقوق اساسی اش گردد. و بدین سان، آزادی دینی - مذهبی که ماهیتاً سیاسی نیست، با آزادیهای سیاسی ارتباط وثیقی پیدا می‌کند و از این جهت، در زمره آزادی‌های سیاسی قرار می‌گیرد.

صرف نظر از بحث بسیار مهم نظری درباره آزادی مذهب براساس منابع دینی که باید در جای خود به آن پرداخت، در این جا سؤالات بسیار مهمی طرح می‌شود، از قبیل اینکه: آیا اقلیتهای مذهبی، آزادی انجام فرایض مذهبی را دارا هستند؟ وظیفه حکومت اسلامی، در برابر آنها چیست؟ آیا تمامی شهروندان، قطع نظر از مذهب خود، از حقوق اجتماعی برخوردارند؟ آیا اقلیتهای مذهبی در اظهار عقاید خود آزادند؟ آیا این آزادی محدودیتی دارد؟ هرچند که پاسخ به این سؤالات براساس قانون اساسی آسان و امکان پذیر است؛ اما در اینجا تلاش می‌کنیم براساس دیدگاه امام، به طور اختصار به این سؤالات پاسخ دهیم. در این راستا، نکات چهارگانه زیر را که پاسخ دهنده سؤالات مذکور هستند، از دیدگاه امام بیان می‌کنیم:





۱- از نظر امام اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی آزادی انجام فرائض مذهبی را دارا هستند. اقلیتهای مذهبی می‌توانند به طور آزادانه به اعمال مذهبی خود بپردازند. امام در آستانه پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در پاسخ به سؤالی در این باره می‌فرماید:

«تمام اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرائض مذهب خود آزادانه عمل نمایند.»<sup>(۳۲)</sup>

۲- از دیدگاه امام، وظیفه حکومت اسلامی حمایت از حقوق اقلیتهای مذهبی است. حکومت اسلامی باید از حقوق آنان همچون سایر شهروندان دفاع کند. امام در پاسخ به سؤالی درباره روابط میان اقلیتها می‌فرماید:

«اقلیتهای مذهبی نه تنها آزادند؛ بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند.»<sup>(۳۳)</sup> و نیز در جایی دیگر می‌فرماید:

«حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان [اقلیتهای مذهبی] به بهترین وجه حفاظت کند.»<sup>(۳۴)</sup>

۳- از نظر امام، برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه براساس تابعیت کشور است و تمام شهروندان ایرانی از حقوق اجتماعی برخوردارند و در این زمینه، اقلیتهای مذهبی نیز همچون مسلمانان، از این حقوق برخوردارند. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی بر اساس مذهب، در جامعه توزیع نمی‌شود:

«هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرق ندارد.»<sup>(۳۵)</sup>

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید:

«اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیتهای مذهبی، آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسانها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم.»<sup>(۳۶)</sup>

۴- از نظر امام، اقلیتهای مذهبی می‌توانند آزادانه به مسائل خود بپردازند و حق اظهار عقیده خود را نیز دارند:

«اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیتهای مذهبی بوده و هست. آنان در جمهوری اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد، در اظهار عقیده آزادند.»<sup>(۳۷)</sup>

البته در لسان امام، اقلیتهای مذهبی آزادی اظهار عقیده خود را دارند، نه آزادی خرابکاری. امام در پاسخ به سؤالی در باره آزادی بیان عقیده برای اقلیتهای، می‌فرماید: «در حکومت اسلامی، همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند ولیکن آزادی خرابکاری را ندارند.»<sup>(۳۸)</sup>

بنابراین در اینجا نیز امام، دغدغه حفظ نظام اسلامی را داشته و حفظ نظام اسلامی را بر همه مسائل مقدم می‌دارد. از نظر امام، حفظ نظام از مهمترین واجباتی است که بر سایر امور مقدم بوده و امور دیگر از جمله آزادی، در راستای حفظ نظام مفهوم پیدا می‌کنند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

در این نوشتار مختصر، با اشاره به مفهوم، عناصر، مصادیق و قلمرو آزادی سیاسی؛ دیدگاه امام خمینی (ره) در باره برخی از مهمترین آزادیهای سیاسی؛ یعنی: آزادی و حق تعیین سرنوشت و رأی، آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و آزادی مذهب را مورد توجه و بررسی قرار دادیم. برخی از یافته‌ها و نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر عبارتند از:

۱- مهمترین نقش مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه امام را می‌توان «ساختار سازی» دانست. مردم در تعیین ساختار مناسب برای حکومت اسلامی نقش اساسی دارند. محتوای این حکومت را قانون الهی تأمین کرده است. مشروعیت حکومت نیز الهی است.

۲- از دیدگاه امام، حق رأی همگانی بوده و شامل تمامی اقشار و اصناف جامعه می‌شود؛ مردم از آزادی کامل در رأی دادن برخوردار می‌باشند و هیچ‌گونه فشار و تحمیلی در رأی دادن و رأی‌گیری جایز نیست. مردم باید براساس بینش و شناخت صحیح، در رأی‌گیری شرکت نمایند. هم چنین کسب آگاهیهای لازم در رأی دادن



ضرورت دارد.

۳- از دیدگاه امام، «ضرر زدن» به منافع مردم، «توطئه» و «انتقام جویی»، از مهمترین موانع «آزادی بیان» شناخته می‌شود و حکومت اسلامی دارای چنان پایه‌های مستحکمی است که وجود آزادی بیان در صورتی که همراه با موارد مذکور نباشد، نه تنها باعث آسیب زدن به آن نمی‌شود؛ بلکه در راستای تقویت آن خواهد بود.

۴- از نظر امام، آزادی تشکیل اجتماعات و مشارکت مردمی، از اهداف اساسی انقلاب می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران، آزادی فعالیت سیاسی اجتماعی را برای گروه‌ها و تشکلهای به ارمان آورده است؛ ولی مهمترین مانع فعالیت گروه‌ها و تشکلهای سیاسی، مشارکت در طرح براندازی و توطئه علیه نظام است.

۵- از نظر امام، اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی، از آزادی کامل در انجام فرائض مذهبی خود برخوردار بوده و وظیفه حکومت اسلامی حمایت از حقوق آنها است. اقلیتهای مذهبی آزادی اظهار عقیده خود را نیز دارا هستند؛ اما نه آزادی خرابکاری. از این رو، حفظ نظام در اینجا نیز از نظر امام، مهمترین معیار رعایت و احترام به اصل آزادی فعالیتهای مذهبی آنهاست.

مقیاس آزادی





پی نوشت‌ها:

۱. کارل کوهن، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات خوارزمی، تهران، ص ۱۸۴.
۲. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۹۶.
۳. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶۹.
۴. محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ابن سینا، بنیاد استاد، تهران، ۱۳۴۳، ص ۳۱.
۵. مصطفی رحیمی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۹۰.
۶. مهدی منتظر قائم، آزادی سیاسی، حکومت اسلامی، سال دوم، شماره اول، ص ۱۰۰.
۷. مصطفی رحیمی، پیشین.
۸. مهدی منتظر قائم، پیشین.
۹. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۰۴.
۱۰. مهدی منتظر قائم، پیشین.
۱۱. همان.
۱۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۱.
۱۳. همان، ج ۲، ص ۲۶۰.
۱۴. همان، ج ۱۸، ص ۲۴۵.
۱۵. همان، ص ۲۰۳.
۱۶. همان، ص ۲۶۴.
۱۷. همان، ج ۱۷، ص ۱۰۳.
۱۸. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۴.
۱۹. همان، ج ۱۸، ص ۲۰۴.
۲۰. جعفر بوشهری، مسائل حقوقی اساسی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳.

۲۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۵۹.
۲۲. همان، ج ۵، ص ۱۳۰.
۲۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۱۶.
۲۴. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۶۶۰.
۲۵. جعفر بو شهری، پیشین، ص ۳۵.
۲۶. همان، ص ۳۶.
۲۷. ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل سوم، بویژه اصل ۲۶.
۲۸. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۲۸-۱۲۹.
۲۹. همان، ج ۱۸، ص ۷۳.
۳۰. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، پیشین، ص ۹۵.
۳۱. همان.
۳۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۷۵.
۳۳. همان، ص ۱۵۹.
۳۴. همان، ص ۷۵.
۳۵. همان، ص ۱۵۹.
۳۶. همان، ص ۴۸.
۳۷. همان، ص ۳۳.
۳۸. همان، ص ۱۰۰.

